



عجله برای طلاق!

روایت یک مشاوره
از استاد علی اکبر مظاهری

سه طلاقه!

شب عید فطر ۱۴۰۲، برادری مؤمن که از سال ۱۳۶۲ در عملیات خیبر، برادر شده‌ایم و برادری مان همچنان برقرار است، تلفن کرد و بلافاصله گفت: «تبریک عید فطر و دعای قبولی عبادت‌های رمضان، بماند برای تماس بعد. حالایک مسئله فوری پیش آمده که می‌خواهم راه حل آن را ببرسم.»

من هم وارد تعارف‌ها و دعا‌های رمضانیه و فطریه نشدم و گفتم: «بفرمایید.»

گفت: «یکی از دوستان ما، از سر عصبانیت و از روی عجله، خانمش را طلاق داده و گفته سه طلاقه‌ات کردم که دیگر رجوعی در کار نباشد. حالا پشیمان شده و می‌خواهد



همسرش را برگرداند. درمانده شده که من سه طلاقه‌اش کرده‌ام. نمی‌توانم او را برگردانم. چه کنم؟ شما بگویید چه کند؟»

گفتم: «در مذهب تشیع، سه طلاق در یک مجلس، نداریم. به او بگویید زود اقدام کند. اگر هنوز همسرش از عده بیرون نرفته، او را برگرداند؛ بدون نیاز به عقد مجدد. اگر هم از عده خارج شده، او را عقد مجدد کند، همسری‌شان برقرار می‌شود.»

برادرم شادمان شد و زود تلفن را قطع کرد تا به دوستش خبر دهد.

آمار حیرت‌آور

ما در مشاوره‌ها و تجربه‌هایمان، این رخداد شگفت‌انگیز را تحصیل کرده‌ایم که بیشتر کسانی که طلاق می‌دهند یا طلاق می‌گیرند (حدود هشتاد درصد)، از فردای طلاق تا دو سال بعد، پشیمان می‌شوند.

آیا سازمان آمار می‌تواند این پدیده را نشان دهد؟ نه! در دفتر آمار، میزان طلاق‌ها را ثبت می‌کنند، اما میزان پشیمان‌ها یا ناراضیان از طلاق را هرگز ثبت نمی‌کنند. این رخداد حیرت‌آور، در لابراتوار دفتر مشاوره ما نمایان می‌شود. عادت مردمان بر این است که پشیمانی‌هایشان را پنهان می‌کنند و تنها نزد مشاورانی دانا و توانا و نیز خیرخواه و امین، برده از لایه‌های پنهان پشیمانی برمی‌دارند.

مرد طلاق دهنده

وقتی مردی پس از جدایی از همسرش، کوله‌باری سنگین از تنهایی را بر دوش رنجورش احساس می‌کند، اندکی مقاومت می‌کند؛ می‌کوشد سرش را افراشته نگه دارد، اما اندک‌اندک سنگینی کوله‌بار، کمرش را خم می‌کند، از نیروی پاهایش می‌کاهد، دورنمای دیدگانش کم‌سو و سپس تار می‌شود و در نهادش آهی می‌جوشد و آهسته در باطن ضمیر خود می‌گوید: «راستی! از این طلاق، چه محصولی عاید شد؟ آیا می‌شد که چنین نشود؟» و کم‌کم به زبان می‌آورد که عجب کاری کردم! او پس از زمانی که دیگر توان کشاندن کوله‌باری را که اکنون سنگین‌تر هم

شده، ندارد، اقرار می‌کند: «عجب اشتباهی کردم!» اگر فرزند یا فرزندی در میان باشند، کار به مراتب دشوارتر است.

عاقل آن است که اندیشه کند پایان را زن طلاق‌گیرنده

هنگامی که زن، طلاق می‌گیرد (که البته در عصر ما، خانم‌ها در طلاق، شتابان‌ترند!) ابتدا به روی خود نمی‌آورد و می‌کوشد خود را «رهایی یافته» فرض کند، اما از فردای طلاق، آوارهای آن رخداد تلخ، بر سرش می‌ریزد؛ آوازی، بی‌یاوری، مسئولیت زندگی، مطلقگی. او کم‌کم به فاجعه‌ای که آفریده است، آگاه‌تر می‌شود و در نهایت می‌گوید: «عجب خطایی کردم!» خانمی به من می‌گفت: «عجب حماقتی کردم!»

مشکلات پس از طلاق، برای خانم‌ها بیش از آقایان است؛ بسیار بیشتر؛ زیرا مردان، پس از طلاق، زودتر به سمت ازدواج دوباره می‌روند، اما ازدواج پس از طلاق برای خانم‌ها دیرتر و دشوارتر اتفاق می‌افتد. به علاوه ناگواری‌های روانی و حیثیتی که برای زنان مطلقه پدید می‌آید. در اینجا نیز اگر فرزند یا فرزندی در میان باشند، مسئله پیچیده‌تر می‌شود.

سخن آخر

در طلاق، شتاب نکنید! چند روز یا چند ماه به تأخیر افکندن طلاق، عاقلانه‌تر از تعجیل در آن است. ما از تأخیر در کارهای انتحاری، نه تنها زیان نمی‌کنیم، بلکه سود هم می‌بریم.

مشاوره با مشاورین دانا و توانا، در پیشگیری از طلاق معجزه می‌کند. ما در مشاوره‌هایمان، اکثر جدال‌های عجولانه طلاق را به صلح می‌آوریم. از بن جان معتقدیم که سخن خدایمان که فرموده است: «الصُّلْحُ خَيْرٌ؛ صلح، بهتر است»، حق است. خداوند حکیم که آدمیان را آفریده، می‌داند که صلح، به صلاح است؛ پس بیایید برای دو سرایمان، بر سر نفس اماره و بر شانه‌های تعجیل‌هایی که شیطان در گوشمان می‌خواند، پای فشاریم؛ به امید خدا...